

مجموعه آثار تاریخ اجتماعی
به روایت سفرنامه نویسان



زن ایرانی

به روایت سفرنامه نویسان فرنگی
میترا مهربادی



زن ایرانی

به روایت سفرنامه نویسان فرنگی
میترا مهربادی



نشر روزگار

۲۲۰۰ تومان



زن ایرانی

به روایت

سفرنامه نویسان فرنگی

میترا مهرآبادی

انتشارات آفرینش

نشر روزگار

۱۳۷۹

تهران: میدان امام حسین، خیابان ۱۷ شهریور شمالی، پائین تر از چهارراه صفا، پلاک ۳۸۳

تلفن: ۲-۷۵۳۸۵۳۱-۳۷۲۱۳۸۴

مهرآبادی، میترا، ۱۳۴۵-
زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی /
تألیف میترا مهرآبادی- تهران: نشر آفرینش - نشر روزگار
۱۳۷۹، ۵۳۹ ص: مصور، عکس.
ISBN 964-6287-13-1: ۳۲۰۰۰ ریال
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. ۵۳۵ - ۵۳۹.
۱. زنان ایرانی - آداب و رسوم. ۲. ایران -
۳. پوشاک ایرانی. ۴. زنان ایرانی -
مسائل اجتماعی و اخلاقی. ۵. ایران - سیر و سیاحت.
الف. عنوان.
ق. ۹/م. ۲/۱۷۳۵ HQ
۳۰۵/۴۲۰۹۵۵
کتابخانه ملی ایران
۲۰۸۱۱-۷۸ م



نشر روزگار

زن ایرانی

به روایت تاریخ نویسان فرنگی

میترا مهرآبادی

ناشر: انتشارات آفرینش - نشر روزگار

چاپ جاری - تیراژ: ۳۳۰۰ جلد - چاپ اول بهار ۷۹

لیتوگرافی گلغام - صحافی نیلوفر

شابک: ۱-۱۳-۱۳-۶۲۸۷-۹۶۴

ISBN 969-6987-13-1

حق چاپ محفوظ

فهرست مطالب

سخن ناشر	۲۱
پیشگفتار	۲۳
سیمای زنان ایرانی	۲۵
در زمان فتحعلی شاه قاجار	—
در زمان ناصرالدین شاه قاجار: ظاهر زنان ایرانی، سن و سال آنان را نشان نمی‌دهد.	
زن یا خربزه؟	۲۸
در زمان مظفرالدین شاه قاجار	۲۹
سیمای زنان بختیاری	۳۰
سیمای دخترکان روستایی	۳۱
سیمای زنان روستایی	۳۲
پوشاک زنان	۳۷
در زمان شاه عباس بزرگ صفوی	—
در زمان شاه صفی صفوی	۳۹
در فاصلهٔ زمان شاه صفی تا شاه سلیمان صفوی	—
در زمان شاه سلیمان صفوی	۴۰
در زمان شاه سلطان حسین صفوی	۴۶
در زمان کریم خان زند	—
در زمان آقا محمدخان قاجار	۴۷
در زمان فتحعلی شاه قاجار	۴۹
در زمان ناصرالدین شاه قاجار	۵۳

فغان از این همه پارچه!	۶۱
پوشاک خواب زنان در زمان ناصرالدین شاه قاجار	۶۲
پوشاک زنان در اواخر زمان ناصرالدین شاه قاجار	۶۳
مینی‌ژوپ زنان در زمان ناصرالدین شاه قاجار!	۶۶
کفشهای زنان در زمان احمد شاه قاجار	۷۰
پوشاک زنان خدمتکار در زمان مظفرالدین شاه قاجار	۷۱
پوشاک زنان اقوام مختلف ایران	۷۳
پوشاک زنان بختیاری در زمان محمد شاه قاجار	—
پوشاک زنان بختیاری در زمان ناصرالدین شاه قاجار	۷۴
پوشاک زنان بختیاری در زمان مظفرالدین شاه قاجار	۷۶
پوشاک زنان گُرهای فیلی در زمان ناصرالدین شاه قاجار	۷۷
پوشاک زنان بلوچ در زمان فتحعلی شاه قاجار	۷۹
پوشاک زنان براهویی بلوچ در زمان فتحعلی شاه قاجار	۸۰
پوشاک زنان ترکمن در زمان ناصرالدین شاه قاجار	—
پوشاک زنان دیگر ادیان ایران	۸۵
پوشاک زنان زرتشتی اصفهان در زمان شاه عباس بزرگ صفوی	—
پوشاک زنان زرتشتی اصفهان در زمان ناصرالدین شاه قاجار	۸۷
پوشاک زنان ارامنهٔ جلفای اصفهان در زمان شاه عباس بزرگ صفوی	۹۰
پوشاک زنان ارامنهٔ جلفای اصفهان در زمان شاه سلیمان صفوی	—
پوشاک زنان ارامنهٔ جلفای اصفهان در زمان شاه سلطان حسین صفوی	۹۱
پوشاک زنان ارامنهٔ جلفای اصفهان در زمان ناصرالدین شاه قاجار	—
حجاب زنان ارامنه در زمان ناصرالدین شاه قاجار	۹۳
پوشاک زنان ارامنه در نواحی بختیاری در زمان ناصرالدین شاه قاجار	۹۵

پوشاک زنان ارامنه جلفای اصفهان در اوایل زمان رضاشاه	۹۷
پوشاک زنان یهودی در زمان شاه عباس بزرگ صفوی	۱۰۶
زینت آلات زنان	۱۰۹
در زمان شاه صفی صفوی	—
در زمان شاه سلیمان صفوی	—
در زمان آقا محمد خان قاجار	۱۱۱
در زمان ناصرالدین شاه قاجار	—
زینت آلات زنان بختیاری در زمان محمد شاه قاجار	۱۱۴
در زمان احمد شاه قاجار	—
آرایش صورت زنان	۱۱۵
در زمان شاه سلیمان صفوی	—
در زمان فتحعلی شاه قاجار	۱۱۶
در زمان ناصرالدین شاه قاجار	۱۱۷
آرایش صورت زنان بختیاری در زمان محمد شاه قاجار	۱۲۰
آرایش موی زنان	۱۲۱
در زمان شاه عباس بزرگ صفوی	—
در زمان شاه سلیمان صفوی	—
در زمان آقا محمد خان قاجار	۱۲۲
در زمان ناصرالدین شاه قاجار	۱۲۳
در زمان مظفرالدین شاه قاجار	—

حجاب زنان	۱۲۵
در زمان تیمور	—
در زمان شاه عباس بزرگ صفوی	—
در زمان شاه صفی صفوی	۱۲۶
در فاصله زمان شاه صفی تا شاه سلیمان صفوی	—
در زمان آقا محمد خان قاجار	۱۲۷
در زمان فتحعلی شاه قاجار	—
در زمان محمد شاه قاجار	۱۲۸
در زمان ناصرالدین شاه قاجار	۱۲۹
در زمان مظفرالدین شاه قاجار	۱۳۷
در زمان احمد شاه قاجار	۱۴۰
در اوایل زمان رضاشاه	۱۴۲
ارزش یک نگاه!	۱۴۴
آرزوی دیدن یک زن بدون چادر برآورده می‌شود!	۱۴۶
بالا رفتن از دیوار برای دیدن زن ایرانی!	۱۴۷
عناوین، القاب و اسامی زنان	۱۴۹
در زمان شاه عباس بزرگ صفوی	—
در زمان ناصرالدین شاه قاجار	۱۵۱
اسامی پرطمطراق زنان در زمان ناصرالدین شاه قاجار	۱۵۲
درباره دختران سخن نگوئید!	۱۵۵
متأسفانه دختر بود!	۱۵۶
آداب و مراسم ازدواج	۱۵۷
در زمان شاه صفی صفوی: مهریه، وکلای عروس و داماد، جادوی سر عقدا، انتخاب روز عروسی،	

عروسی، روزهای دوم و سوم عروسی، عروس و پدر شوهر.....	۱۵۷
در فاصله زمانی شاه صفی تا شاه سلیمان صفوی	۱۶۳
در زمان شاه سلیمان صفوی: عروس نادیده! چانه زدن بر سر مهریه، عقدکنان، عروسی. بردن جهیزیه، رفتن عروس به خانه داماد.	۱۶۴
در زمان شاه سلطان حسین صفوی	۱۷۰
مراسم عروسی یک کنیز با یک غلام در زمان شاه سلطان حسین صفوی ...	۱۷۱
در زمان فتحعلی شاه قاجار: نامزدی، عقدکنان، عروسی، زفاف	۱۷۲
در زمان ناصرالدین شاه قاجار: سهولت ازدواج، سن ازدواج، ازدواجهای خویشاوندی. ازدواج در بین قوم و قبیله، دلآله‌های ازدواج، مسئله شیربها و مهریه، مراسم ازدواج، عقدکنان، جشنها، حنابندان، بردن جهیزیه، بردن عروس به خانه داماد.	۱۷۷
عروسی افسانه‌ای دختر ناصرالدین شاه: عروسی، مبدأ تاریخ می‌شود، خواستگاری، حضور همه اقشار مردم در عروسی، جهیزیه و مهریه، عروس بر پشت فیل سفید به خانه بخت می‌رود، سرنوشت پدر داماد و داماد.	۱۸۵
یک نمونه از مراسم عروسی تهیدستان	۱۸۹
مراسم عروسی در رودبار منجیل	۱۹۲
یک مجلس عروسی در رودبار منجیل	۱۹۳
ازدواجهای اجباری ملک زاده خانم همسر امیر کبیر	۱۹۵
در زمان مظفرالدین شاه قاجار: سن ازدواج، ازدواجهای درون گروهی، ازدواجهای خویشاوندی. رضایت در ازدواج، دلآله‌ها، مراسم خواستگاری، نامزدی، تشریفات عقدکنان، اولین ملاقات زوجین، مابین عقد و عروسی، جهیزیه، تشریفات عروسی، شب عروسی، مراسم روزهای پس از عروسی، تفاوت عروسی اغنیا با فقرا و عوام.	۱۹۶
اوایل زمان رضاشاه: رسوم ازدواج تغییر می‌یابند.	۲۰۹
آداب و مراسم ازدواج دیگر اقوام ایرانی	۲۱۱
مراسم ازدواج بختیارها در زمان محمد شاه قاجار	—

مراسم ازدواج بختیارها در زمان ناصرالدین شاه قاجار	—
مراسم ازدواج بختیارها در زمان مظفرالدین شاه قاجار: فالچه در حکم حلقه ازدواج نوعروسان بختیاری، نامزدی، عروسی.	۲۱۳
مراسم ازدواج گرها در زمان احمد شاه قاجار: ربودن دختر توسط عاشق گُر.	۲۱۷
مراسم ازدواج ترکمانان در زمان فتحعلی شاه قاجار	۲۲۰
مراسم ازدواج ترکمانان در زمان احمد شاه قاجار	۲۲۱
مراسم ازدواج بلوچها در زمان فتحعلی شاه قاجار	۲۲۲
آداب و مراسم ازدواج دیگر ادیان ایران	۲۲۵
مراسم ازدواج زرتشتیان در فاصله زمانی شاه صفی تا شاه سلیمان صفوی	—
مراسم ازدواج ارامنه جلفای اصفهان در زمان شاه صفی صفوی	۲۲۶
مراسم ازدواج ارامنه جلفای اصفهان در فاصله زمانی شاه صفی تا شاه سلیمان صفوی.	۲۲۷
مراسم ازدواج ارامنه جلفای اصفهان در زمان شاه سلطان حسین صفوی ...	۲۳۰
مراسم ازدواج زرتشتیان در زمان احمد شاه قاجار	۲۳۱
صیغه.	۲۳۷
در زمان شاه سلیمان صفوی	—
در زمان ناصرالدین شاه قاجار	۲۳۸
در زمان مظفرالدین شاه قاجار	۲۳۹
کنیزان	۲۴۱
در زمان شاه سلیمان صفوی	—
در زمان فتحعلی شاه قاجار	۲۴۳
در زمان ناصرالدین شاه قاجار	—

۲۴۴	در زمان مظفرالدین شاه قاجار
۲۴۵	تعدد زوجات
—	هر سال نو، زن نو!
۲۴۶	داغ عشق!
۲۴۷	تعدد زوجات یا آدم ثانی!
۲۴۸	مسئله تعدد زوجات در زمان ناصرالدین شاه قاجار
۲۴۹	مراتب و درجات زنان متعدد یک مرد در زمان ناصرالدین شاه قاجار
۲۵۰	تعدد زوجات در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار
۲۵۲	تعدد زوجات در زمان بختیارپها در زمان ناصرالدین شاه قاجار
۲۵۳	تعدد زوجات در میان گُرهای فیلی
—	حیف از این همه کم‌زایی!
۲۵۴	مسئله تعدد زوجات، اعلام نارضایی زنان در زمان مظفرالدین شاه قاجار
۲۵۵	مسئله تعدد زوجات در اوایل زمان رضاشاه
۲۵۷	هوو
—	دردسر هوو!
۲۵۹	بیماریهای ناشی از هوو!
—	خطر هوو!
۲۶۰	زنان برای کنار زدن هوو، دست به چه کارها که نمی‌زنند!
۲۶۱	بازهم دردسر هوو!
۲۶۲	بر سر دوراهی: انتخاب حکومت یا دفع هوو؟!
۲۶۴	بر سر دوراهی: آیا سرانجام، مرد فرنگی، زن ایرانی را بر می‌گزیند یا دین خود را؟

۲۶۷	دنیای حرمسراها
—	در زمان شاه عباس بزرگ صفوی: ساختمان حرمسرا، زنان شاه، به شوهر رفتن زنان حرمسرا
—	در زمان شاه صفی صفوی: بناهای خاص زنان در عالی‌قاپو، حرمسرای شاه، کشتن زنان حرمسرا، مجازات عجیب یکی از زنان شاه
۲۶۹	در زمان شاه عباس دوم صفوی: کشتن زنان حرمسرا
۲۷۴	در زمان شاه سلیمان صفوی: ساختمان حرمسرا، زنان حرمسرا، وظایف خواجه سرايان حرمسرا، رفاقه‌های مخصوص شاه، اعمال نفوذ ملکه مادر و خواجه سرايان در امور
۲۷۶	در زمان آقا محمد خان قاجار: دخالت حرمسرا در امور سیاسی، زیاده‌جوییهای زنان حرمسرا
۲۸۶	در زمان فتحعلی شاه قاجار: زنان شاه، دختران شاه، تعداد زنان، درون حرمسرای اعیان
۲۹۰	در زمان محمد شاه قاجار: ساختمان حرمسرا، یک مرد فرنگی در حرمسرای ایرانی
۲۹۶	در زمان ناصرالدین شاه قاجار: حرمت اندرونی، محوطه یک حرمسرا، حرمسرای شاه، جیران سوگلی، آیا زنان شاه، خوشبخت بودند؟ قربانیان حرمسرا، سوگلی شاه، دیدار خانمهای سرشناس از ملکه انیس‌الدوله به مناسبت عید نوروز، ماجرای پردردسر سفر زنان ناصرالدین شاه به همراه او به فرنگ، مادر شاه
۳۰۱	ملاقاتی با مادر ناصرالدین شاه قاجار: ملاقات اول، ملاقات دوم
۳۱۸	ملاقات با دختر فتحعلی شاه قاجار و زن سپهسالار
۳۲۴	ملاقات با یکی از خواهران ناصرالدین شاه
۳۲۷	دیدن یک میهمانی زنانه در قصر افسانه‌ای شاهزاده عصمت‌الدوله - دختر ناصرالدین شاه: قصر افسانه‌ای، ورود به دنیای سحرآمیز حوریان، خصوصیات شاهزاده عصمت‌الدوله و خانواده‌اش، دیگر میهمانان، نحوه پذیرایی، دسته رانندگان وارد مجلس می‌شود، بساط ناهار و سفره پر از غذاهای رنگین، دیداری از اتاقها و گوشه و کنار قصر، صرف عصرانه در کنار حوض بزرگ باغ، استقبال خانمها از آواز خانم فرنگی، گردش در بیرونی، خدمه زن پیانیست! امضای یادگاری، بزرگ خانم فرنگی توسط شاهزاده عصمت‌الدوله! پایان روزی خوش و

- خاطره‌انگیز. ۳۲۸
- در خانه یکی از دختران متجدد ناصرالدین شاه قاجار ۳۴۴
- در زمان مظفرالدین شاه قاجار: اندرون شاهی، مشاغل زنان در اندرون شاهی. ۳۴۷
- در زمان محمدعلی شاه قاجار: خدمتکاران حرمسرا ۳۴۹
- قاعدگی، بارداری، زاییدن و شیردادن ۳۵۳
- دفعات بارداری، مسئله سقط جنین، نازایی زنان، مسئله فرزند سرراهی، دوره بارداری، شیردادن به نوزادان، عدم رواج بیماریهای سینه در زنان، زنها و پرستاری از کودکان در زمان ناصرالدین شاه قاجار، زایمان زنان بختیاری در زمان محمد علی شاه قاجار. —
- طلاق و وضعیت زنان بیوه و مطلقه. ۳۶۱
- در فاصله زمانی شاه صفی تا شاه سلیمان صفوی —
- در زمان شاه سلیمان صفوی ۳۶۲
- در زمان شاه سلطان حسین صفوی ۳۶۳
- در زمان فتحعلی شاه قاجار ۳۶۴
- در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۳۶۵
- در زمان مظفرالدین شاه قاجار: ازدواج زنان بیوه ۳۶۶
- چگونگی عبور زنان از معابر عمومی ۳۶۹
- در زمان شاه عباس بزرگ صفوی: مسافرت زنان حرمسرای شاه، زنان شاه به شکار می‌روند. —
- در زمان شاه صفی صفوی: زنان شاه به شکار می‌روند. ۳۷۳
- در فاصله زمانی شاه صفی تا شاه سلیمان صفوی ۳۷۵
- در زمان شاه سلیمان صفوی: زنان شاه به شکار می‌روند. ۳۷۶

- در زمان شاه سلطان حسین صفوی ۳۸۱
- در زمان فتحعلی شاه قاجار ۳۸۲
- در زمان ناصرالدین شاه قاجار: جزای سنگین مردان چشم‌چران، اروپاییان و حرم شاه، یک مرد فرنگی با مادر شاه در خیابان برخورد می‌کند! ۳۸۳
- سرگرمیها و مشغولیات گوناگون زنان ۳۹۱
- در زمان مغول: هنرهای دستی زیبای زنان کرمانی —
- در زمان شاه سلیمان صفوی: سرگرمیهای زنان حرمسرا —
- در زمان آقا محمدخان قاجار ۳۹۳
- در زمان فتحعلی شاه قاجار: رفتن به گورستان —
- در زمان ناصرالدین شاه قاجار: آزادی زنان و سرگرمیهایشان، مهمانیهای زنانه، زنان در تفریحگاهها، کدبانوها، سرگرمیهای زنان فرودست جامعه، شرکت در مراسم تعزیه. ۳۹۵
- در زمان مظفرالدین شاه قاجار: زیارت مشهد، گردش روز جمعه زنان شیراز. ۴۰۱
- نحوه ملاقات زنان با زنان بلندپایه در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۴۰۵
- زنان در بازارها ۴۰۷
- در زمان شاه عباس بزرگ صفوی: زنان مشخص به خرید نمی‌روند، دردسر خرید با لباس مبدل —
- در زمان فتحعلی شاه قاجار ۴۰۸
- در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۴۰۹
- بازار، زنانه می‌شود! ۴۱۱
- خیابان زنانه! ۴۱۵
- زنان کاسب ۴۱۶
- زنان و پزشکان مرد فرنگی ۴۱۷

در زمان ناصرالدین شاه قاجار: حد محرمیت پزشکان مرد فرنگی! مرضهای قلابی! بیماریهای جالب! پزشک فرنگی برای مداوا به حرمسرای شاهزاده احضار می‌شود. —

دنیای حمامهای زنانه ۴۲۵
در زمان شاه سلیمان صفوی

در زمان فتحعلی شاه قاجار: درد دل در حمام! حمام سرسره!

در زمان ناصرالدین شاه قاجار: رنگ کردن، مردان همدان به درون حمام زنانه می‌ریزند! مراسم حمام خانمهای درباری، حمام یا مهمانی، شستشو، حنا گذاشتن، نقالی و معرکه‌گیری یکی از خانمها در داخل حمام، رنگ کردن، صرف ناهار در حمام و آرایش با آهنگ

رقص و ترانه. ۴۲۷

در زمان مظفرالدین شاه قاجار: حنابندان، ورود خانمهای متشخص به حمام. ۴۳۷

یک مراسم حنابندان در مازندران در زمان شاه عباس بزرگ صفوی ۴۳۹

معتقدات خرافی زنان..... ۴۴۱

در زمان شاه عباس بزرگ صفوی

در زمان شاه صفی صفوی: درمان عجیب زنان دیرزا!

در زمان شاه سلیمان صفوی: منار ته برنجی، جادو از طریق دیدن لباس زنان

در زمان شاه سلطان حسین صفوی

در زمان ناصرالدین شاه قاجار: هنوز هم مناره ته برنجی! خرافات در میان زنان مشهدی، نذر عجیب!.....

در زمان مظفرالدین شاه قاجار: طلسم و چشم زخم..... ۴۴۸

طلب طلسم مهر و محبت از فرنگی!..... ۴۴۹

در زمان محمد شاه قاجار

در زمان ناصرالدین شاه قاجار: زنان بختیاری و طلب طلسمات از فرنگیان! ۴۵۰

شیر زن، درمان بیماریها!..... ۴۵۳

یک ماه فرصت برای معالجه یا طلاق!..... ۴۵۴

عادات و سنن عجیب زنان

در فاصله زمانی شاه صفی تا شاه سلیمان صفوی: زنان زرتشتی به صحرا می‌گریزند! زنان زرتشتی یا شکارچیان قورباغه!

در زمان ناصرالدین شاه قاجار: سنت عجیب زنان سوگوار لر

در زمان مظفرالدین شاه قاجار: نقش عجیب سنگ قبر زنان بختیاری

حسادت تا این حد!

شاه، محرم زنان بیگانه است!..... ۴۵۸

افتخار زن یک روزه!

مجازات متجاوزین به حقوق زنان..... ۴۵۹

در زمان شاه عباس بزرگ صفوی

نحوه مجازات زنان بی‌عفت..... ۴۶۳

در زمان شاه عباس بزرگ صفوی

در فاصله زمانی شاه صفی تا شاه سلیمان صفوی

در زمان شاه سلیمان صفوی

در زمان ناصرالدین شاه قاجار

زنان رامشگر..... ۴۷۳

در زمان شاه صفی صفوی

در زمان محمد شاه قاجار

در زمان محمد علی شاه قاجار: در بزهای زنانه تهران، زنان سوزمانی

تنقلات مورد علاقه زنان..... ۴۸۱

- وظایف زنان روستایی در زمان آقا محمد خان قاجار..... ۵۱۴
 —
 وظایف زنان براهویی بلوچستان در زمان فتحعلی شاه قاجار..... —
 زنان ایلپاتی در زمان محمد شاه قاجار ۵۱۶
- در میان زنان بختیاری..... ۵۱۹
 —
 در زمان ناصرالدین شاه قاجار: وظایف زنان بختیاری در کوچ و در استقرار، ملاقات با
 زنان خانواده حاجی ایلخانی در اردل، ملاقات با خانواده اسفندیار خان ایلگی
 در ناغون، در اندرون فتح... خان..... ۵۲۰
 در زمان مظفرالدین شاه قاجار: طبابت زنان بختیاری ۵۳۱
- مراتب زنان بختیاری ۵۳۲
 —
 در زمان احمد شاه قاجار..... —
- شیرزن گلهر در زمان محمد شاه قاجار ۵۳۵
 کتابنامه..... ۵۳۷

- در زمان ناصرالدین شاه قاجار —
 —
 ۴۸۲ جامه فرنگی
 —
 ۴۸۳ زنان قلیانی
 —
 در زمان ناصرالدین شاه قاجار —
 —
 ۴۸۷ گدایان زن
 —
 در زمان ناصرالدین شاه قاجار —
 —
 ۴۸۹ فایده سربریده زنان!
 —
 ۴۹۰ شیوه اسب‌سواری زنان
 ۴۹۵ زنان روستایی، مدل نقاشی فرنگی می‌شوند!
 ۵۰۳ زنان، فرمانده شوهران!
 ۵۰۵ حضور زنان در کنار همسرانشان در جنگها
 —
 در زمان شاه عباس بزرگ صفوی —
- زنان باسواد ۵۰۷
 —
 در زمان ناصرالدین شاه قاجار: دختران باسواد رشت..... —
 ۵۰۹ در زمان احمد شاه قاجار
- وظایف و کارهای گروههای مختلف زنان روستایی ۵۱۱
 —
 وظایف زنان زرتشتی در زمان شاه عباس بزرگ صفوی —
 ۵۱۲ زنان گیلان در زمان شاه صفی صفوی

فهرست تصاویر

- ۱- زیبایی زن ایرانی ۲۷
- ۲ و ۳- سیمای دختران و زنان روستایی ۳۳, ۳۴
- ۴- زنان قبایل چادرنشین شوشتر در موقع کره‌گیری در زمان قاجار ۳۵
- ۵- زنان روستایی در زمان قاجار ۳۶
- ۶- پوشاک زنان در زمان شاه سلیمان صفوی ۴۲
- ۷- پوشاک زنان در زمان صفویه ۴۴
- ۸- پوشاک زنان اعیان در زمان صفویه ۴۵
- ۹- انواع پوشاک زنانه از زمان صفویه تا اوایل قاجاریه ۴۸
- ۱۰- پوشاک زنان در زمان فتحعلی شاه قاجار ۵۲
- ۱۱- پوشاک زنان درباری در اوایل زمان ناصرالدین شاه قاجار ۵۶
- ۱۲- پوشاک زنان در خانه، در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۵۹
- ۱۳- زن ایرانی، ملیس به کلیجه و چهارقد در زمان قاجار ۶۰
- ۱۴- تاج السلطنه (دختر ناصرالدین شاه قاجار) در لباس سنتی ۶۴
- ۱۵- تاج السلطنه (دختر ناصرالدین شاه قاجار) در لباس غربی ۶۷
- ۱۶- پوشاک زن ایرانی در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۶۸
- ۱۷- سه زن از خدمتگزاران اندرونی حشمت‌الممالک ۷۱
- ۱۸- دختر خدمتکار با بجه اربابش ۷۲
- ۱۹- پوشاک زنان لرستان در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۷۸
- ۲۰- پوشاک زنان سیستان در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۸۱
- ۲۱- دختران کُرد در زمان قاجار ۸۲
- ۲۲ و ۲۳- پوشاک زنان ترکمن در زمان قاجار ۸۳, ۸۴
- ۲۴- پوشاک زنان زرتشتی در زمان صفویه ۸۶
- ۲۵- پوشاک زنان زرتشتی در بیرون خانه، در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۸۸
- ۲۶- پوشاک زنان مسلمان و زرتشتی اصفهان در بیرون خانه، در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۸۹
- ۲۷- پوشاک زنان جوان ارمنی در زمان قاجار ۹۲

- ۲۸- پوشاک زنان ارمنی نواحی اصفهان در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۹۳
- ۲۹- پوشاک زنان ارمنی در زمان شاه عباس بزرگ صفوی ۹۴
- ۳۰- پوشاک زنان ارمنی سلماس در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۹۸
- ۳۱- پوشاک زنان ارمنی جلفای اصفهان در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۹۹
- ۳۲- پوشاک راهبه‌های قدیسه‌کاترین در جلفای اصفهان در زمان قاجار ۱۰۰
- ۳۳- پوشاک زنان ارمنی در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۱۰۱
- ۳۴- پوشاک زنان نستوری در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۱۰۲
- ۳۵- پوشاک مهمانی زنان ارمنی در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۱۰۳
- ۳۶- پوشاک زنان ارمنی در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۱۰۴
- ۳۷- پوشاک زنان یهودی شیراز در زمان احمد شاه قاجار ۱۰۶
- ۳۸- پوشاک زنان یهودی در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۱۰۷
- ۳۹- پوشاک دختران یهودی در مدرسه در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۱۰۸
- ۴۰- گوشواره‌ای به شکل طوطی، مزین به مروارید و جواهرات الوان، در حدود زمان زندیه و اوایل قاجار ۱۱۲
- ۴۱- بانویی با ابروهای وسمه کشیده و خالکوبی روی چانه و پیشانی ۱۱۸
- ۴۲- آرایش زن ایرانی در زمان قاجار ۱۱۹
- ۴۳- زن ایرانی، با حجاب بیرون در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۰
- ۴۴- گونه‌های مختلف چادر بر سر کردن در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۱
- ۴۵- تور روبنده در زمان قاجار —
- ۴۶- زن ایرانی، با حجاب کامل بیرون در زمان قاجار ۱۳۳
- ۴۷- زن چادری در زمان صفویه و قاجار و پهلوی ۱۳۶
- ۴۸ و ۴۹ و ۵۰- زنان ایرانی، با حجاب بیرون در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۱۳۸, ۱۳۹, ۱۴۱
- ۵۱- مراسم زن روستایی و شهری با چادر در زمان احمد شاه قاجار ۱۴۸
- ۵۲- پوشش زنان وزیر در زمان قاجار ۱۵۳
- ۵۳- آسیه خانم دختر محمد علی شاه قاجار ۱۵۴
- ۵۴- آوردن جهیزیه اختراالدوله به منزل عزیزالسلطان ۲۱۰
- ۵۵- مراسم تعاقب عروس در میان ترکمنان در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۲۲۳

- ۵۶ - یک خانواده زرتشتی در زمان احمد شاه قاجار ۲۳۵
- ۵۷ - جشن عروسی نستوریان در ارومیه در زمان قاجار ۲۳۶
- ۵۸ - کتیز سیاه در زمان شاه سلیمان صفوی ۲۴۲
- ۵۹ - بی بی دردانه، سوگلی نایب الحکومه دزفول در زمان قاجار ۲۵۶
- ۶۰ - ربودن و انتقال دختران جوان برای حرمسرای شاهان صفوی ۲۷۱
- ۶۱ - بناهای حرمخانه ناصرالدین شاه در عشرت آباد ۲۸۸
- ۶۲ - بانوان حرمسرا در زمان قاجار ۲۸۹
- ۶۳ - وضع اندرونی خانه یک ایرانی در زمان قاجار ۲۹۴
- ۶۴ - قمر السلطنه (دختر فتحعلیشاه قاجار و زن میرزا حسین خان سپهسالار) ۳۰۵
- ۶۵ - فخرالتاج (دختر دوست محمد خان معیرالممالک) ۳۰۶
- ۶۶ - گروهی از زنان ناصرالدین شاه قاجار ۳۱۰
- ۶۷ - عالییه خانم، همسر ناصرالدین شاه قاجار ۳۱۱
- ۶۸ و ۶۹ - مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه قاجار ۳۲۲, ۳۲۵
- ۷۰ - عصمت الدوله، دختر ناصرالدین شاه قاجار ۳۴۳
- ۷۱ - حرمسرای یک سید در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۳۵۰
- ۷۲ - چند نفر از زنان حرمسرای یک سید در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۳۵۱
- ۷۳ - مسافرت زنان در کجاوه در زمان قاجار ۳۶۸
- ۷۴ - زن فتحعلی شاه قاجار در هنگام سفر با تخت روان ۳۸۴
- ۷۵ - مسافرت زنان ایرانی در کجاوه در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۳۸۵
- ۷۶ - زن ایرانی، سوار بر قاطر در زمان ناصرالدین شاه قاجار —
- ۷۷ - زنی که سوار بر اسب شوهر خود، در زمان ناصرالدین شاه قاجار به زیارت می رود ۳۸۶
- ۷۸ - شرکت زنان در مراسم تعزیه امام حسین (ع) در زمان قاجار ۳۹۰
- ۷۹ - مجلس پذیرایی یک بانوی ایرانی در زمان فتحعلی شاه قاجار ۳۹۴
- ۸۰ - مراسم گلابگیری زنان در بار در باغ مهرآباد ۴۰۲
- ۸۱ - خجسته خانم، همسر ناصرالدین شاه قاجار با چند تن از مأموسانش ۴۰۶
- ۸۲ - خرید لباس عروسی در بازار در زمان قاجار ۴۱۰
- ۸۳ - زنان در بازار در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۴۱۴

- ۸۴ - نورجهان بگم - زن حاج محمدتقی اصفهانی پارچه فروش - که باکتیز خود به حمام می رود، در زمان قاجار ۴۳۰
- ۸۵ - رفتن زنان به نزد فالگیر ۴۵۲, ۴۴۸
- ۸۶ - دسته نوازندگان زن در زمان قاجار ۴۷۲
- ۸۷ - رقاصه ایرانی در زمان قاجار ۴۷۶
- ۸۸ - رقاصه دایره زن ایرانی در زمان قاجار —
- ۸۹ - زن نوازنده تار در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۴۷۷
- ۹۰ - دسته نوازندگان زن معروف به گلین ماژور در زمان قاجار ۴۸۰
- ۹۱ - زنان در حال کشیدن قلیان در میهمانی در زمان قاجار ۴۸۳
- ۹۲ - زن درباری قاجاری در حال کشیدن قلیان ۴۸۴
- ۹۳ و ۹۴ - زنان ایرانی در حال کشیدن قلیان در منزل در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۴۸۵, ۴۸۶
- ۹۵ - زن گدا در زمان قاجار ۴۸۸
- ۹۶ - زن صفوی سوار بر اسب ۴۹۰
- ۹۷ - زن قاجاری سوار بر اسب ۴۹۱
- ۹۸ - زنان سوار بر اسب در زمان ناصرالدین شاه قاجار ۴۹۲
- ۹۹ - زنان سوار بر اسب در سفر با دشواری ... در زمان احمد شاه قاجار ۴۹۳
- ۱۰۰ - دختر زنجانی ۴۹۴
- ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ - زنان و دختران جوانی که در زمان مظفرالدین شاه قاجار، مدل نقاشی یک فرنگی شده اند ۴۹۶, ۴۹۷, ۴۹۹, ۵۰۰, ۵۰۱, ۵۰۲
- ۱۰۷ - زن و مرد اشراف در زمان قاجار ۵۰۴
- ۱۰۸ - خجسته خانم، آخرین همسر ناصرالدین شاه قاجار در حال مطالعه ۵۰۶
- ۱۰۹ - مدارس دخترانه در زمان رضا شاه ۵۱۰, ۵۰۹
- ۱۱۰ - زنان تالشی مازندران در زمان مظفرالدین شاه ۵۱۳
- ۱۱۱ - زنان مسلمان و ارمنی قالیباف در سلطان آباد در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۵۱۵
- ۱۱۲ - زنان بختیاری در حال پختن نان در زمان مظفرالدین شاه قاجار ۵۱۸
- ۱۱۳ - رضا شاه در میان زنان عشایر کشف حجاب شده ۵۲۲

به نام خدا

مقدمه ناشر

زن، به عنوان نیمه‌ای از پیکره‌ی حیات اجتماعی آدمی و یا به تعبیری دیگر به عنوان اساسی‌ترین رکن زندگی مادی و معنوی انسان، همواره در طول تاریخ مورد ستم بوده و به اشکال گوناگون از او بهره‌کشی شده است.

با این همه او به ظرافت شگرف و جود خویشتن، بسان گل و گیاهی که در لای صخره‌ای سخت و ضخیم می‌روید، تمام این ستم‌ها و تلخ‌کامی‌ها را تاب آورد، و برتر از آن نه تنها ایستاد و مقاومت کرد بلکه بالید و رشد کرد. چراغ حیات اجتماعی و سُکّان کشتی خانوادگی را - در این دریای متلاطم - به دست گرفت و آن را به سوی ساحل نجات هدایت کرد. بر تاریکی‌های اندیشه‌ی همسر و فرزندان خود نور پاشید. با صبر و حوصله‌ای که فقط خاص خود اوست، شب و روز در کنار بستر طفل نوپای خویش نشست و به قول "ایرج"؛

«دستم بگرفت و پایه پا بُرد تا شیوه‌ی راه رفتن آموخت»^۱

زخم‌ها و خستگی‌های "مرد"ش را با گرمای عشق بی‌شائبه‌ی خویش درمان و به امید فردایی بهتر، او را روانه‌ی رزمگاه کرد و در خلوت خویش، خاموش و خفه برایش گریست:

«دختر،

کنار پرچین سوخته

خاموش ایستاده است

و دامن نازکش در باد

تکان می‌خورد!

خدایا، خدایا

دختران

نباید خاموش بمانند

هنگامی که مردان،

- خسته و نومید،

- پیر می‌شوند!^۱»

و کدام دختر است مگر و کدام زن و مادر که خستگی و نومیدی مردش را ببیند و خاموش بماند؟! بی‌گمان، چنین نیست. و این کتاب، روایتگر این حکایت دیرینه و آینه‌ی دیگری از زندگی زن - به‌طور کلی - و زن ایرانی - به‌طور خاص - است که اندک تأملی در آن ما را به این حقیقت اندوهبار می‌رساند که:

«جام می و خون دل، هر یک به کسی دادند

در دایره‌ی قسمت، اوضاع چنین باشد»^۲

در این کتاب که به همت بانوی سخت‌کوش اهل قلم، سرکار خانم دکتر میترا مهرآبادی گردآوری و تألیف شده است، زن ایرانی از دیدگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی دیده شده و زندگی او مورد مطالعه قرار گرفته است. و چون جوهره‌ی این مطالعه - اغلب - براساس مشاهده و بدور از حُب و بغض‌های قبیله‌ای و خانوادگی و سیاسی، صورت گرفته به حقیقت نزدیک‌تر و از هر لحاظ خواندنی‌تر و ماندگارتر است. بسیاری از مطالبی که ممکن به دلایل گوناگون هرگز توسط ایرانیان درباره‌ی زن ایرانی نوشته نمی‌شد، توسط سفرنامه‌نویسان فرنگی دیده و نوشته شده است.

نکات و باریک‌بینی‌های تلخ و شیرین فراوانی از زندگی زنان ایرانی در این کتاب مشاهده می‌شود که دقت در آن‌ها ما را به شناخت عمیق‌تری از زن و به‌ویژه زن ایرانی می‌رساند. و شاید به‌همین دلیل باشد که همه‌ی ما به خواندن چنین کتابی نیازمندیم. انتشارات آفرینش و نشر روزگار خوشحال‌اند که با نشر این اثر ارزنده توانسته‌اند خدمت دیگری - هر چند کوچک - به جامعه اهل ادب و فرهنگ بنمایند. امید که مورد قبول خداوند متعال و همه پویندگان راه حقیقت قرار گیرد.

دکتر محمد عزیزی - محمد فتحی

به نام خدا

پیشگفتار

کتاب حاضر که به یاری یزدان در دسترس علاقمندان قرار گرفته است، یکی از مجلدات مجموعه تاریخ اجتماعی به روایت سفرنامه‌نویسان می‌باشد. از آنجا که در بیشتر کتابهای تاریخ، کمتر به نکات ریز زندگانی مردم و بیشتر به رویدادهای تاریخی پرداخته شده، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان این جای خالی را پر کرد؟ یکی از بهترین شیوه‌ها، بهره‌گیری از آثار سیاحانی است که به علل مختلف سیاسی یا فرهنگی، اقدام به مسافرت به نقاط مختلف نموده‌اند. این بیگانگان هستند که به نکاتی کاملاً ریز و دقیق و سودمند از زندگانی مردم اشاره کرده‌اند؛ نکاتی که برای خود مردم آن مناطق، به دلیل خو گرفتن به آنها، از اهمیت لازم جهت ثبت در کتابهای تاریخ برخوردار نبوده‌اند. بدینسان با گذشت زمان، آنچه که از تاریخ مردم در کتابهای تاریخ ثبت شده، محدود به رویدادهای سیاسی گشته است. اما سفرنامه‌ها همچون گنجینه‌ای سرشار از تاریخ زندگانی مردم می‌باشند که در آنها می‌توان درباره بیشتر مسائل اجتماعی مردم، از نوع پوشاک و خوراک و استحمام و ازدواج و طلاق گرفته تا مسائل ریز مذهبی و سیاسی و اقتصادی و غیره، آگاهیهای فوق‌العاده سودمندی به دست آورد. اما تنها عاملی که استفاده بهینه از سفرنامه‌ها را باکندی توأم ساخته، پراکندگی مسائل مختلف در آنها است.

در نتیجه، گردآورنده این مجموعه، به عنوان یک محقق تاریخ، بر خود بایسته دید که با گردآوری و دسته‌بندی موضوعی نکات مختلف زندگانی مردم که در سفرنامه‌های گوناگون ذکر شده، این دشواری را از پیش پای عموم پژوهشگران و علاقمندان تاریخ مردم بردارد.

کتاب زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی، یکی از همین مجموعه می‌باشد که به گونه‌ای کاملاً متفاوت و خواندنی و دقیق به شرح زندگانی زن ایرانی در ادوار گذشته می‌پردازد. این کتاب بر اساس بیش از ۵۰ سفرنامه فرنگی نوشته

شده است. محدوده زمانی روایات این کتاب، عمدتاً مربوط به فاصله زمانی صفویه تا اوایل پهلوی است؛ اگرچه موارد اندکی از دوره‌های پیش، همچون مغول، تیمور و آق قویونلو نیز در آن دیده می‌شود.

خواننده محترم با مطالعه این کتاب، به دنیای شیرین (و بعضاً تلخ) زن ایرانی در گذشته‌ها وارد می‌شود. به نحوی بسیار دقیق با نحوه پوشاک، آرایش، حجاب، ازدواج، طلاق و دیگر مسائل زنان ایرانی در گذشته‌ها آشنا می‌شود. به درون حرمسراها گام می‌گذارد، با زنان حرمسراها ملاقات و گفتگو می‌کند، از سرگرمیهایشان آگاه می‌شود. حتی با ایشان به درون حمامهای زنانه می‌رود. از معتقداتشان با خبر می‌گردد، به پای درد دلشان می‌نشیند. و همه اینها در حالی برای خواننده اتفاق می‌افتد که در می‌یابد این وقایع جذاب، نه یک داستان، بلکه شرح زندگانی حقیقی مردم در گذشته‌ها بوده است.

نیز در اینجا بایسته است که به چند نکته مهم در باب این کتاب، اشاره گردد. نخست اینکه شیوه کار در کتاب حاضر، نخست بر اساس تقسیم‌بندی موضوعی بوده و سپس هر موضوع در داخل خود به ترتیب تاریخی ذکر شده است. دیگر آنکه نویسنده در این کتاب بر آن نبوده که هیچگونه اظهار نظر شخصی بکند و از اینرو شیوه کار به صورت گردآوری بوده و تمامی روایات سفرنامه‌نویسان مزبور در گیومه « آورده شده و نشانی آن منابع نیز در زیرنویس و کتابنامه موجود است. هر جا که نویسنده، نیاز به اضافه کردن سخنی از خود داشته، آن سخن را باید در خارج گیومه‌ها، در زیرنویس و یا درون کروشه [] یافت.

در پایان، امید آن می‌رود که به یاری ایزد، این کتاب و نیز سایر مجلدات خواندنی این مجموعه - که آنها نیز به بررسی دیگر جوانب زندگانی اجتماعی مردم می‌پردازند و در شرف انتشار هستند - مورد توجه همه دوستداران و محققان محترم تاریخ حقیقی مردم واقع شوند.

والعلم عندا... تعالی

میترا مهرآبادی

سیمای زنان ایرانی

دروویل که در زمان فتحعلی شاه قاجار از ایران دیدن کرده، می‌نویسد:

«زنان ایرانی مسلماً زیباترین زنان جهانند. با اینکه جهانگردان در باره زیبایی زنان گرجی و چرکسی، مطالب زیادی گفته‌اند، ولی من یقین دارم که در مقام مقایسه، نه تنها زنان ایرانی از نژادهای مزبور برترند، بلکه زنی در جمال و کمال به پای آنان نمی‌رسد. در اینجا برای اینکه مبدا مرا به نقض بیطرفی متهم دارند، تا آنجا که امکانات اجازه دهد، مختصری به وصف زیبایی استثنایی و آرایش خاص آنان اختصاص خواهم داد.

«زنان ایرانی، بلند و باریک و بسیار خوش اندام‌اند. جمال آنان موهبت طبیعی است که در آن کمتر تصنع و تکلف به کار می‌رود. عموماً زنان ایرانی، اندام سفید خیره‌کننده‌ای دارند. البته این امر، مایه شگفتی نیست. زیرا آنها کمتر در معرض تابش نور خورشیدند و همواره حجابی بر صورت دارند.

«ایرانیان به گیسوان بلند، ارزش زیادی قائل‌اند و از این نظر، طبیعت، چیزی از آنان مضایقه نکرده است. گیسوان سیاه زنان ایرانی، بسیار انبوه است و غالباً تا سطح زمین می‌رسد. گرچه هر دم بر موی سر شانه می‌زنند، ولی این کار از روی هوس است، نه از نظر احتیاج.

«بانوان ایرانی، پیشانی بلند و سپید، ابروان پیوسته کمانی و سیاه و چشمان بادامی درشت و سیاه شگفت‌آوری دارند. مژگانهای بلند دیدگان آنها بسیار جالب است. بینی‌شان راست و متناسب و دهانشان بسیار کوچک است. ضرب‌المثلی می‌گوید که چشم زن فتان از دهانش بزرگتر است. البته با مبالغه در مثلها کاری نداریم. برخی از بانوان ایرانی که تصور می‌کنند چشمانشان به قدر کافی درشت نیست، برای تکمیل زیبایی خود، روزی چند بار با میل عاج بر چشم خود سرمه

می‌کشند. آنها از این آرایش، بسیار لذت می‌برند. ولی به نظر من این آرایش، آنها را خشن تر جلوه می‌دهد از دلفریبی‌شان می‌کاهد.

«بانوان ایرانی، دندانهای سفید و درخشانی دارند. گرچه برخی از آنها به استعمال قلیان معتادند... با این حال، دیده نشده است که حتی در سالهای پیری، دندانهایشان زرد شود.

«زنان ایرانی، چانه‌ای کوچک و غالباً چاه زنخدان قشنگی دارند. به نظر من اگر ایرادی به حسن و جمال زنان ایرانی بتوان گرفت، این است که چهره‌شان چرخی است. ولی همین صورت گرد به نظر ایرانیان یکی از شرایط اصلی زیبایی است. «پریدگی رنگ، عیب دیگر زیبارویان ایرانی است، گمان می‌رود که این نقیصه عارضی، نتیجه انزوا و خلوت نشینی آنان باشد. اما بانوان مزبور به وسیله سهل و ساده‌ای این عیب را از نظرها می‌پوشانند...

«بانوان ایرانی، گردنی بسیار زیبا دارند. با این حال، هرگز توجهی به آن نمی‌کنند. ولی همواره مراقب زیبایی بازوان و دستهای خویش‌اند. آنها دستهای خود را هر چند یک بار، حنا می‌بندند... در اثر حنا بستن، دستها نرم، گوشتالو و چون عاج، سفید می‌شود.»^۱



۱- زیبایی زن ایرانی
عکس از هدین، گویرهای ایران

در زمان ناصرالدین شاه

ظاهر زنان ایرانی، سن و سال آنان را نشان نمی‌دهد

خانم کارلا سرنا که در زمان ناصرالدین شاه به ایران مسافرت کرده، می‌نویسد:

«همچنانکه تشخیص سن واقعی یک زن اروپایی، بویژه اگر از چشمه جوانی آبی هم خورده باشد، کار ساده‌ای نیست، پی بردن به سن و سال زنان ایرانی حتی از آن هم دشوارتر است. درست است که نوع پوشاک آنان تمام هیكل و زیبایی بدن را خوب آشکار می‌کند، ولی در عین حال، معایب و نقایص اندام را نیز درشت‌تر نشان می‌دهد. از طرف دیگر، قیافه زن ایرانی، به علت عادت به بزک غلیظ، همیشه زشت‌تر و پیرتر از میزان واقعی دیده می‌شود.»^۱

زن یا خربزه؟!

خانم کارلا سرنا در شرح احوال زنان دوره ناصرالدین شاه می‌نویسد:

«در ایران، تنها زنان چاق، خاصه آنهایی که شکل خربزه را پیدا کرده‌اند، مقبول هستند. آنهایی که از نعمت چاقی مورد نظر برخوردار نیستند، به درمان و دواهای مختلف متوسل می‌شوند. چون لاغری برای زنان ایرانی، نوعی مایه ننگ و سرشکستگی است و حتی گاهی شوهرها به این بهانه، آنها را طلاق می‌دهند.

پزشکان برای علاج لاغری، داروهای بیشمار تجویز می‌کنند. ولی هیچکدام مؤثر واقع نمی‌گردد. دوايي که برای چاق و چله شدن، بیش از همه تجویز می‌گردد، پیه کوهان شتر است که باید هر روز و در ساعت معلوم و به اندازه معین، مرتباً مصرف شود.^۱

در زمان مظفرالدین شاه قاجار

دالمانی از مشاهدات خود در این باره، در زمان مظفرالدین شاه قاجار،

چنین می‌نویسد:

«زنان ایرانی چشمان فرورفته خمارآلودی دارند و همانطور که مغناطیس، آهن را می‌رباید، زن ایرانی هم با یک کرشمه و نگاه فوراً مرد را مجذوب و شیفته خود می‌سازد. می‌توان گفت که حیات زن در چشمان درشت و بادامی شکل او تمرکز یافته است. زن زیباروی می‌تواند تمام افکار و احساسات درونی خود را به وسیله حرکات ابرو و مژگان بروز دهد. آرایش صورت و پلکهای سرمه کشیده، توانایی و تسلط خاصی به او می‌دهد. ترکیب چشم او بسیار جالب توجه است، عنبیه زیبا و قرنیه کهربایی و مردمک سیاه رنگ چشم، کیفیت خاصی به صورت می‌دهد. ابروان تا شقیقه‌ها امتداد یافته و قوسهای منظمی تشکیل می‌دهند و در بالای بینی، توسط یک خال مصنوعی از هم جدا می‌شوند. لبان رنگ قرمز تیره‌ای دارند و بسیار هوس‌انگیز هستند. رنگ صورت عموماً مانند شیر سفید است و اگر این سفیدی طبیعی نباشد با آرایش، آنرا به همان رنگ در می‌آورند.

اغلب زنان صورت خود را با خالهای مصنوعی شبیه به خال میان ابرو که به شکل ستاره است زینت می‌دهند و بطور کلی بالا بلند نیستند و دارای جلال و وقار

می‌باشند. مخصوصاً زنان قبایل و روستائیان نظر به اینکه همیشه مشغول کار هستند و بارهای سنگین را بر روی سر حمل می‌کنند، به آهسته راه رفتن عادت کرده‌اند و موقر به نظر می‌آیند. بر عکس، زنان شهری که به بیکاری عادت نموده‌اند، با کمترین کوشش، فوراً خسته و درمانده می‌شوند. سینه زنان به استثنای دوشیزگان، زود از ترکیب می‌افتد و بدن به واسطه فرو افتادن پستانها صورت حزن‌آوری پیدا می‌کند. سر و پا آن‌طور که باید شکیل نیست. ولی انگشتان، عموماً کشیده و آراسته هستند و به ناخنهای قشنگی منتهی می‌گردند. پاها درشت و خشن هستند و غالباً ترکیب خوبی ندارند.^۱

سیمای زنان بختیاری

دالمانی - سیاح زمان مظفرالدین شاه - می‌نویسد:

«نظر به اینکه زنان بختیاری لباس فراخی پوشیده‌اند، راجع به ترکیب اندام آنان نمی‌توان آنطوری که باید مطالعه دقیقی کرد، با این حال هیکل آراسته‌ای دارند. دست و پای آنان مانند مردان، کوچک و ظریف و چشمان درشتشان جذاب و قابل توجه است. متأسفانه صورت آنها بواسطه ازدواج قبل از وقت، زود از ترکیب می‌افتد و خوش نما نیست و پوست بدن، از زیادی کار کردن در مزارع و پرستاری گله، خشونت پیدا می‌کند. اینان نیز مانند سایر زنان ایرانی اغلب از خطر آبله مصون نمانده و چهره زیبایی ندارند و چون به سن دختران قابل ازدواج اروپایی برسند، مانند پیرزنان می‌شوند. بعلاوه هیچوقت درصدد آرایش خود نیستند.»^۲

۱- سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ص ۲۸۴-۲۸۳.

۲- همان، ص ۱۰۲۸.

سیمای دخترکان روستایی

سون هدین که در زمان مظفرالدین شاه از مناطق کویری ایران دیدن کرده و در ضمن به کشیدن تصاویری از مردم این مناطق نیز پرداخته، دربارهٔ دختران یکی از روستاهای کویری ایران می‌نویسد:

من دو ساعت دیگر روی یک کیسهٔ آرد، جلو خانهٔ کدخدا نشستم و کدخدا و چند مرد و زن و دختر را نقاشی کردم. دخترها همه لباسهای سبک سرخ رنگ به تن داشتند و لچکی به سر بسته بودند. آنها یا پا برهنه بودند و یا کفشهای بد چوبی به پا داشتند. دو تا از دخترها به نظرم خیلی زیبا بودند. اما این زیبایی شاید به این خاطر بود که در این سرزمین که همه چادر به سر می‌کنند، به ندرت یک چهرهٔ زنانه دیده می‌شود. موهای آنها سیاه است. موج ندارد و بیشتر وزکرده و بافته است. چشمهایشان قهوه‌ای تیره و تقریباً سیاه است و مژه‌های سیاه به چشمها سایه می‌اندازد و آنها را سیاه‌تر می‌کند. دندانهای سفید و سالم در میان لبهای سرخ، برق می‌زند.

«دستها را کار سخت و زیاد خراب کرده است. مطلب دیگری که دربارهٔ این مخلوقات می‌توان گفت، این است که پاهایشان خیلی کثیف است. دخترها کمی خجول بودند. اما چشمهایشان به رنگ زغال، برق می‌زد و با اینکه بشاشت خود را پنهان می‌کردند، شیطنت از چشمهایشان می‌بارید. آنها کم‌کم آن قدر در آتلیهٔ نقاشی من جمع شدند که با رسیدن غروب که مجلس را به پایان رسانید، از نقاشی صورتها فارغ شدم.»^۱

سیمای زنان روستایی

سون هدین می‌نویسد:

«آنها همه چیز هستند جز زیبا. و بی‌نتیجه در میان زنهایی که در دور و برم هستند و با دهان باز به من نگاه می‌کنند و پرحرفی می‌کنند، دنبال یک صورت گویا و یک خیال‌پرور زیبا می‌گردم که به شکل رنج و شوق کویر در گوشه‌ای ایستاده باشد. و بی‌نتیجه، دنبال دختر بیابان می‌گردم که مانند گل‌های بهاری صحرا، دوست داشتنی و مغرور باشد. در عوض، حالات آنها خشن و رنگ و رویشان زشت و ناهنجار است. آنها می‌توانند جوان باشند.^۱ اما با این وصف، پیر و پرچین و چروک به نظر می‌آیند و اغلب جای زخم سیاه رنگ آبله و سایر بیماریهای زشت‌کننده در بدن آنها دیده می‌شود. به ندرت، جرقهٔ آتشی در چشمهای آنان پنهان است. دهانشان چیزی نمی‌گوید. لبهایشان خیلی گوشتالو است. دماغ، بزرگ و بی‌فرم است و موهای صاف بافته شده، اطراف صورت را با پیچ و خم زیبا کننده‌ای نمی‌پوشاند. علاوه بر این، تمام سر و صورت، به صورت بسته‌ای موقتی، در لچک و شالهای زشتی پیچیده شده است؛ لچک و شالی که روزگاری رنگارنگ بوده است و اما حالا با تفاهم بی‌طرفانهٔ رنگهای خفه و کثیف و مات، حد رنگها در یکدیگر گم می‌شود. لباس اصلی، چادری است که تمام هیكل زنانه را پنهان می‌سازد. زیر چادر، یک دستمال هم به سر بسته می‌شود.

«... زنها با چرخ نخ‌ریس، نخ می‌ریسند. نان را در تنوری از گل رس - که در

۱- جالب است که سون هدین با نگرشی کاملاً ایده‌آلیستی، زندگی پر رنج و مشقت زنان روستایی و دست و پنجه نرم کردن آنها با انواع بیماریهای رایج را در روزگار گذشته، نادیده گرفته و به گونه‌ای غیر واقع‌گرایانه، توقع سیمایی رویایی و لطیف از ایشان دارد.

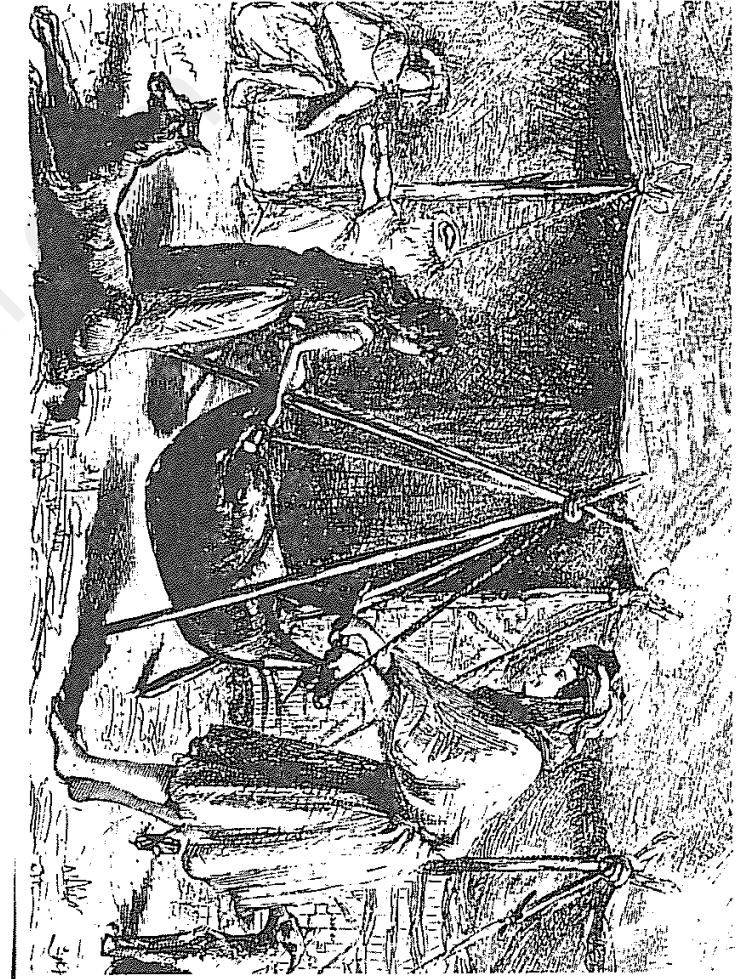
میانش آتش افروخته می‌شود - می‌پزند. لباسها را وصله می‌زنند. برای بیچه‌های کاملاً کوچکشان، لالایی می‌خوانند و یا با بیچه‌های بزرگتر بازی می‌کنند.»^۱



سیمای دختران و زنان روستایی
در زمان مظفردالدین شاه قاجار
عکس از حدین، کویرهای ایران



سیمای دختران و زنان روستایی
در زمان مظفردالدین شاه قاجار
عکس از حدین، کویرهای ایران



زنان قبایل چادرنشین شوستر
در موقع کره گیری
در زمان قاجار
عکس از کتاب، ایران قدیم به روایت تصویر



زنان روستایی
عکس از کتاب ایران قدیم به روایت تصویر

پوشاک زنان

در زمان شاه عباس بزرگ صفوی

دلا واله در این باره آورده:

در خانه

«لباس زنان، ساده است، منتهی از پارچه‌های قیمتی ابریشمی با تار و پود طلائی بافته شده و دارای نقشهای زیبایی است.
«پیراهن آنان تنگ‌تر از ترکها است و به نظر من آن قشنگی را ندارد.
«روسری زنها شبیه پارچه‌ای است که زنان بغداد هم به کار می‌برند... رنگ روسریها مختلف است و دنباله آن از عقب تا روی زمین ادامه پیدا می‌کند... چند رشته مروارید، به طول چهار انگشت به بند پیشانی آنان آویزان است که با حرکت سر به این طرف و آن طرف حرکت می‌کند و به علاوه دو رشته موی بلند نیز از طرفین صورتشان پایین ریخته و چهره آنان را در بر می‌گیرد.»^۱
«[جوراب مردان از نخ است ولی] زنان، جوراب مخملی یا زربفت و به طور کلی هر چه مطابق سلیقه آنها باشد، می‌پوشند.»^۲

۱- سفرنامه پیترو دلا واله، ص ۱۴۷-۱۴۶.

۲- همان، ص ۱۴۴.

بیرون خانه

«زنان، موقعی که بیرون می‌روند، تمام بدن و چهره خود را به نحوی که در سوریه نیز مرسوم است، با پارچه سفیدی می‌پوشانند.»^۱

فیگوئروا در این باره می‌نویسد:

«زنان... شلوار و بالاپوشی مشابه مردان می‌پوشند. کفشهای مرد و زن، چرمی و به رنگهای مختلف است با جنس بسیار سخت و سفت و رویه‌های کوتاه، به طوری که همچون کفش سرپایی داخل منزل، پوشیدن و در آوردن آنها بسیار آسان است. با اینکه غالب کفشها نوک باریک‌اند و قسمت جلو آنها از عقب بلندتر است، میخهای ریز بسیاری به تخت آنها زده شده است.
«زنها از سر تا ناف یا گردگاه خود را با لباسی گشاد از پارچه‌های سفید رنگ می‌پوشانند و چنان در این جامه فرو می‌روند که چشمهایشان به زحمت دیده می‌شود.»^۲

کاتف نیز می‌نویسد:

«زنان در بیرون از خانه، خود را به متقال نازکی می‌پيچند که صورت آنها پیدا نیست. آنها جورابهای ساق بلند ماهوتی رنگ و کفش بر پا دارند. ولی برخی از زنان، جورابهای ساق بلند مخملی می‌پوشند. تمام زنان و دختران، شلوار به پا می‌کنند...

۱- سفرنامه پیترو دلا واله، ص ۱۴۷.

۲- سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا، ص ۱۵۸-۱۵۷.

لباس روی آنها از کافتن تنگ و پیراهن بدون گلدوزی است.^۱

در زمان شاه صفی صفوی

اولتاریوس می نویسد:

«لباس زنان، نازک تر از مردان و مانند آنها گشاد است و به بدن نمی چسبد. آنها مانند مردان، پیراهن و شلوار می پوشند. جورابهایشان از پارچه نازک قرمز یا سبز رنگ است.»^۲

در فاصله زمان شاه صفی

تا شاه سلیمان صفوی

تاورنیه می نویسد:

«زنان ایران، لباسهای خیلی فاخر می پوشند. لباسشان از بالاتنه و پایین تنه، مجزا نیست، روی هم و یکسره است و با لباس مردها هیچ تفاوتی ندارد. از جلو باز و از ماهیچه پا به پایین، تجاوز نمی کند. کمرشان را تنگ نمی بندند. آستینشان به دست و بازو چسبیده، تا پشت دست می رسد. کلاه کوچکی به شکل برج به سر می گذارند و هر کس به اندازه بضاعت و شأنش، کلاه خود را به جواهرات، زینت

۱- سفرنامه فدت آفاناس یویچ کاتف، ص ۸۵-۸۲.

۲- سفرنامه آدام اولتاریوس، ص ۶۴۳.

می دهد؛ و بعضی از زیر کلاه، مقنعه ای ابریشمی به طرف پشت آویخته دارند که بر حسن و زیبایی آنها می افزاید.

«گیسوانشان بافته و روی شان می ریزند. زیرشلواری هم چون مردان می پوشند که تا پاشنه پا می رسد. کنش آنها با کنش مردانه فرقی ندارد. زنهای هرمز به واسطه شدت حرارت هوا فقط یک زیرشلواری و روی آن یک پیراهن بلند می پوشند. زنان ارامنه مخصوصاً نیم تنه چسبانی بی آستین، شبیه نیم تنه مردان در بر می نمایند و سرشان [را] در یک پارچه نازک پیچیده که دو سر آن را روی زنخدان گره می کنند. گیسو را بافته، در کیسه ای از مخمل یا اطلس یا قلابدوزی کرده، به پشت سر می آویزند که تا زیر کمر می رسد. ثروتمندان، خود را با جواهر زیاد زینت می دهند.»^۱

در زمان شاه سلیمان صفوی

شاردن می نویسد:

«لباس زنان از بسیاری جهات همانند پوشاک مردان است. تنبان همانطور تا به قوزک پا می رسد. ولی ساقها بلندتر و تنگتر و ضخیم تر می باشد. چون بانوان هرگز جوراب به پای خویش نمی کنند. زنان با نیم چکمه ای (پوتین منسوج، جوراب مانند) پای خود را می پوشانند که تا چهار انگشت بالاتر از قوزک می رسد. و آن یا کار دستی است و یا اینکه از منسوجات بسیار گرانبهایی تهیه می گردد.

«پیراهن را که قمیص خوانند و کلمه شمیز از آن آمده است، از جلو تا ناف باز می باشد. بالا پوشهای بانوان، بلندتر از کلیجه های مردان است، چنانکه تقریباً تا

۱- سفرنامه تاورنیه، ص ۶۲۷.

پاشنه پا می‌رسد. کمربندهای بانوان، باریک است و فقط یک شست پهنا دارد.^۱
 «شاهزاده خانمهایی که از دودمان شاهی می‌باشند، این امتیاز را دارند که می‌توانند خنجر بر کمر خویش ببندند.»^۲

«سر خویش را کاملاً می‌پوشانند و از روی آن چارقدی دارند که به شانه‌شان می‌رسد و گلو و سینه‌شان را از جلو مستور می‌سازد. هنگامی که می‌خواهند از خانه بیرون بیایند، از روی همه ملبوسات، حجاب بلند سفیدی (چادری) می‌پوشند که از سر تا پا بدن و صورتشان را مستور می‌کند. به طور کلی جز مردمک ساده [چشم]، چیزی مرئی نمی‌گردد.

«عموماً زنان چهار حجاب دارند: دو تا در خانه به سر می‌کنند و دو دیگر را هنگام خروج از منزل بر روی آنها بیفزایند. نخست روسری است که برای آرایش تا پشت بدن آویزان است. دوم چارقد است که از زیر ذقن می‌گذرد و سینه را می‌پوشاند. سوم حجاب سفیدی (چادر) است که تمام بدن را مستور می‌سازد. و چهارم به شکل دستمالی (روبند) است که بر روی صورت نهند و مخصوص مساجد و معابد می‌باشد. این دستمال (روبند) یا حجاب، شبکه‌ای به مانند دستباف نیم‌مدار و یا توری در مقابل چشمان دارد که برای دیدن، تعبیه شده است.»^۳
 «پای افزار مردان و زنان در ایران، همگی، یکسان است و هیچگونه فرقی وجود ندارد.»^۴

سانسون در این باره می‌نویسد:

«طرز لباس پوشیدن زنها در ایران با لباس پوشیدن مردها اختلاف چندانی

۱- سیاحتنامه شاردن، ج ۴، ص ۲۱۷.

۲- همان، ص ۲۲۳.

۳- همان، ص ۲۱۸-۲۱۷.

۴- همان، ج ۷، ص ۱۲۷.



پوشاک زنان در زمان شاه سلیمان صفوی
 عکس از سفرنامه سانسون

ندارد. فقط لباس خانمها زر و زیور بیشتری دارد و طبعاً درخشان تر است. البته زنها هیچگونه عمامه‌ای مثل مردان بر سر نمی‌گذارند. پیشانی خانمها از نواری که سه انگشت پهنا دارد، پوشیده شده است. این نوار با طلای میناکاری شده، زینت یافته است و بر آن یاقوت و برلیان و مروارید می‌آویزند. خانمها کلاه پارچه‌ای ظریفی که با طلا آن را حاشیه‌دوزی کرده‌اند، بر سر می‌گذارند و شال ظریفی را که حاشیه آن در کمال زیبایی گلدوزی شده است، دور کلاه می‌پیچند. قسمتی از این شال به پشت سر تا کمرشان آویزان می‌شود و در وقت راه رفتن، بالا و پایین می‌رود و به وضع جالبی تکان می‌خورد.

«به گردنشان گردن‌بندهای مروارید می‌آویزند و کمربندی را که چهار انگشت عرض آن است و از ورقه‌های طلا پوشیده شده است، به کمر می‌بندند. روی ورقه‌های طلا، قلم‌زنی شده است و اغلب اوقات بر روی آن، جواهرات قیمتی نصب می‌کنند. پیراهنی که در زیر می‌پوشند، زربفت است و زمینه آن طلا یا نقره است. روی این پیراهن یک نیم‌تنه زردوزی شده که بسیار زیبا می‌باشد، می‌پوشند. آستر نیم‌تنه از پوست سمور است. در زمستان، نیم‌تنه، آستین دارد و در تابستان، بدون آستین می‌باشد.

«خانمها هرگز جوراب نمی‌پوشند. زیرا شلواری که به پا می‌کنند، بلند است و تا زیر قوزک پایشان را می‌پوشاند. در زمستان، پوتینهای ساق بلندی را که لبه‌های آن را زینت می‌کنند، می‌پوشند و در منزل، مانند مردان، کفش راحتی که از چرم ساغری درست شده است، به پا می‌کنند.»^۱

۱- سفرنامه سانسون، ص ۱۲۴ و ۱۲۲.



پوشاک زنان در زمان صفویه
عکس از سفرنامه سانسون



پوشاک زنان اعیان در زمان صفویه
عکس از سفرنامه سانسون

در زمان شاه سلطان حسین صفوی

کارری می نویسد:

«لباس زن‌ها فرق زیادی با لباس مردان ندارد. جلو پیراهن، باز است و با کمربندی بسته می شود. دامن پیراهن تا قسمتی پایین تر از زانو می رسد و آستینهای پیراهن، روی میچ دست، محکم می گردد.»

«زنهای ایرانی کلاهکی روی سر می گذارند. دور کلاهک زنان ثروتمند، سکه های طلا و نقره و سنگهای قیمتی دوخته می شود. دختران و زنان جوان، نوار پارچه ای از پشت سر آویزان می کنند که به کیسه ای مخملی منتهی می شود و گیسوان خود را توی آن کیسه جا می دهند و روی دوش می اندازند.»

«کفشهای زنان، شبیه کفشهای مردان است، منتهی با رنگهای گوناگون و ظریف تر از آنها.»^۱

در زمان کریمخان زند

کارستن نیبور درباره پوشاک زنان ایران در دوره حکومت کریمخان زند

می نویسد:

«زنهای طبقه متوسط (زن متشخصی ندیدم) لباس خیلی عجیبی می پوشند. آنها دور رانشان پارچه زیادی می پیچند تا رانشان کلفت جلوه بکند. پیراهن زن‌ها

کوتاه است و به سرشان دستمال و لچک زیادی می‌پیچند و بعد روی این دستمال و لچک، چادر سفیدی می‌اندازند. آنها حتی از جلو صورتشان هم دستمال سفیدی می‌آویزند. اما این دستمال به بزرگی دستمالی نیست که جلوی صورت زنهای عرب را می‌پوشاند. خلاصه این که لباس زنهای ایرانی و چکمه و نعلین آنها ارزش آن را ندارد که از طرف ملت‌های دیگر مورد تقلید قرار بگیرد.^۱

در زمان آقامحمد خان قاجار

اولیویه می‌نویسد:

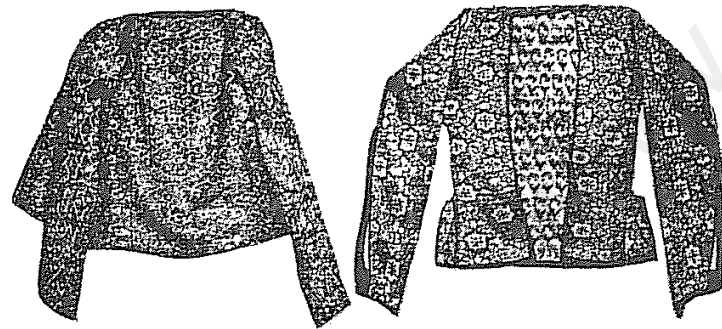
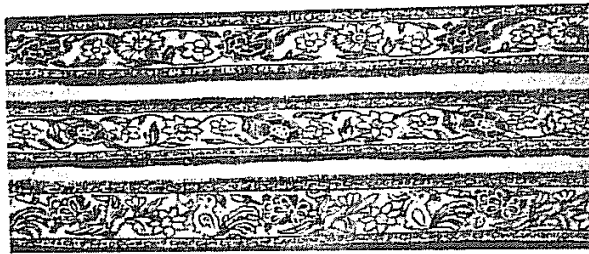
«البسه زنان با لباس مردان، تفاوت دارد. شلوار، گشادتر، اما آکنده از آستر است و تا پای ساقین، هیچ نمایان نباشد و معلوم نگردد. پیراهن که از پیش تا وسط شکم، گشاد است و از بالا تکمه شود، از ابریشم و غیره باشد.

«لباسی که از روی پیراهن در بر کنند، از پیش گشاده شود و به وسیله تکمه‌های ابریشمی یا فلزی بسته شود و تا به زانو برسند.

«کمربند مفتول، گاه از طلا و یا نقره ساده یا مرصع به جواهرات است و یا با سنگهای قیمتی تزئین شود. همچنان به عوض کمربند، شال کشمیری یا پارچه پشمی استعمال کنند که با آستری از همان پوست و یا سفید یا خاکستری رنگ و نوک آن با ماهوت یا ترمه کشمیری و یا پوست ساده سفید، قبه‌دوزی شده، که بر سنگینی و گرمی آن می‌افزاید.

«... عصابه [سربند] و کرزن [نیم تاجی که از دیبا باشد] و اکالیل [سربندها و تاجها] بر حسب شأن و شوکت و ثروت، متفاوت باشد.

۱- سفرنامه کارستن نیبور، ص ۱۶۴.



انواع پوشاک زنان، از چپ به راست: ۱- لباس ابریشمی با نقش قرمز، کار قرن ۱۹. ۲- نیم تنه ابریشمی کار قرن ۱۷. ۳- یراق زربفت کار قرن ۱۷. ۴ و ۵- یل زنانه زربفت، کار قرون ۱۸ و ۱۹. عکس از آلمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری